



محمد دین زاخیل



به نام آنکه بزرگست همگان بسوی اوست!

دوستان همدل سلام!

امید جور و سرحال باشید. خوشحالم از اینکه باز هم دمی و نفسی و قدمی با هم ایم. چندی قبل دخترم رویا هژبر و دوستم نیلاب جان پژواک فلم "رنج های مسیح" را جدا از هم مشاهده کردند. ولی هردو تقریباً همزمان برایم تلفون نموده، خواهش کردند تا باید حتماً این فلم را به دلیل نهایت مهمی ببینم. فلم را دیدم. اینکه چه دیدم و چرا باید حتماً میدیدم اینک با شما یاران همدل و مهربان تقسیم میکنم:

هژبر شینواری

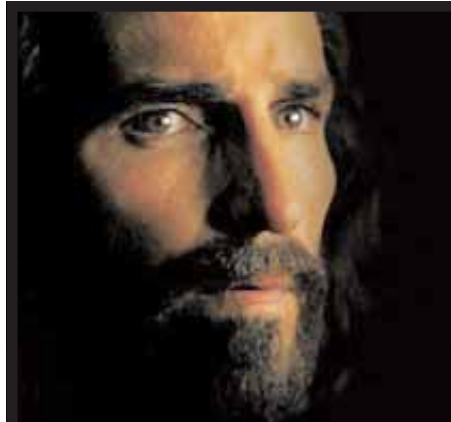
افغانستان و محمد دین زاخیل بر صلیب "رنج های مسیح"

اخیراً یادنامه حضرت مسیحا گرد و غبار فراموشی قرن ها را یکبار دیگر از ذهن آدم ها به یکسو برد و به پرده های نقره ای و جادویی هنر هفتم نور و زنده گی تازه ای بخشید. آری فلم پر عظمت و بحث برانگیز "رنج های مسیح" به کارگردانی مل گیبسون هنرپیشه و کارگردان فلم های نامداری چون (اسلحه مرگبار)، (قلب شجاع) و (وطن پرست) بروی پرده اکثر

سینماهای جهان به نمایش در آمد. کارگردان فلم های نامداری چون (اسلحه مرگبار)، (قلب شجاع) و (وطن پرست) بروی پرده اکثر سینماهای جهان به نمایش در آمد. عده ای با محبت و اشک، جمعی با غضب و خشم و تعدادی هم از روی کنجکاوی این فلم جالب و استثنایی را تماشا کردند. بعضی آنرا استثنایی و پر عظمت، تعدادی آنرا اغراق آمیز و عده ای هم آنرا "سادستی" و

"خسته کننده" وانمود کردند. فلم در اروپا و امریکا به استقبال چشمگیری مواجه شد. در کشورهای اسلامی بخصوص در کشورهای مصر، سوریه و لبنان رکود فروش را شکست. در کشور عربستان سعودی که سینمای رسمی و قانونی وجود ندارد، علاقمندان نسخه های غیرقانونی و ویدیوی این فلم را تماشا کردند. اجتماعات یهودی کارگردان فلم را به نگرش و تمایل

مرگش را میدهند. ولی چون بیت المقدس مستعمره روم است به تایید حکم والی رومی ضرورت دارند. والی هر چند دلش به قتل مسیح رضایت ندارد ولی بعد از آنکه او را به طور وحشیانه ای توسط سربازانش شکنجه می نماید، به اثر



ضد یهودیت متهم نموده، تماشای این فلم را تحریم کردند و اعلان نمودند که فلم «رنج های مسیح» در اسرائیل و بیت المقدس به نمایش در نخواهد آمد. این نکته توجه بیشتر کشورهای عربی را به فلم جلب نموده و باعث شد تا فلم



اصرار روحانیون یهودی حکم قتلش را تایید می نماید. سربازان سادیست رومی تاج خاری بر سر حضرت مسیح می گذارند و چون گنهکاران صلیبی بر شانه هایش می گذارند تا با خود به قتلگاه حمل کند.

فلم با استفاده از تمام امکانات تخیلی و تکنولوژی عصری صنعت غول پیکر سینمای هالیوود تهیه شده است. مل گیبسون با دید ژرف هنری آفرینشگری با استعداد و کارگردان توانمند از همه امکانات سینمایی بهره جسته است و با همیاری هنرمندان تیم هنرپیشه گان فلمش، بیننده را در همه دقایق و



بدون سانسور و بصورت کامل، بدون حذف هیچ صحنه آن در آن کشورها نمایش داده شود.

فلم «رنج های مسیح» در مورد ساعات واپسین حضرت عیسی تهیه شده است. فلم از شبی آغاز میگردد که مسیحا و یارانش در جنگلی اتراق نموده اند. قلب حضرت عیسی از وقوع حادثه ای، از خنجری که با دست دوست از عقب بر قلبش خواهد نشست، گواهی میدهد. همان است که سربازان به رهنمایی یکی از حواریون وی بنام یهوذا از راه می رسند و او را با غل و زنجیر می بندند و نزد روحانیون یهودی می برند. آنها از هیچ نوع توهین، تحقیر و شکنجه دریغ ننموده و حکم

انتخاب رنگها، سایه روشن ها و افکت ها خیلی دقیق و حساب شده صورت گرفته است. موسیقی متن فلم آنچنان زیبا طرح و انتخاب شده است که تماشاگر را در سراسر لحظات این فلم تنها نمی گذارد، چنانکه بیننده گذشت زمان را به فراموشی می سپارد و تماشا این فلم طولانی برایش غیر محسوس میگردد. نقش موسیقی متن در این فلم خیلی برازنده و حتی تعیین کننده می نماید. رویهمرفته موسیقی فلم در توازن با روال مجموعی فلم هیجان آور و دلهره برانگیز است. در تنها دقایقی که موسیقی از تلاطم باز می ماند و لحظاتی از آرامش را در اوج سروصدا و هیجان به بیننده به ارمغان می آورد، زمانی است که نزدیک به دقایق بیستم فلم هنگامیکه حضرت عیسی را با زجر و شکنجه برای بازجویی نزد روحانیون یهودی به معبد می آورند، در راه چشمش به نجاری می افتد که به کار خود مشغول است. بخاطر می آورد روزی را که خودش نجاری میکرد و مادرش را که برایش آب آورد. صحنه بیش از یک دقیقه دوام میکند. در سراسر این فلم حیرت انگیز این تنها لحظه ای است که میتوان لبخند را بر چهره مسیحا



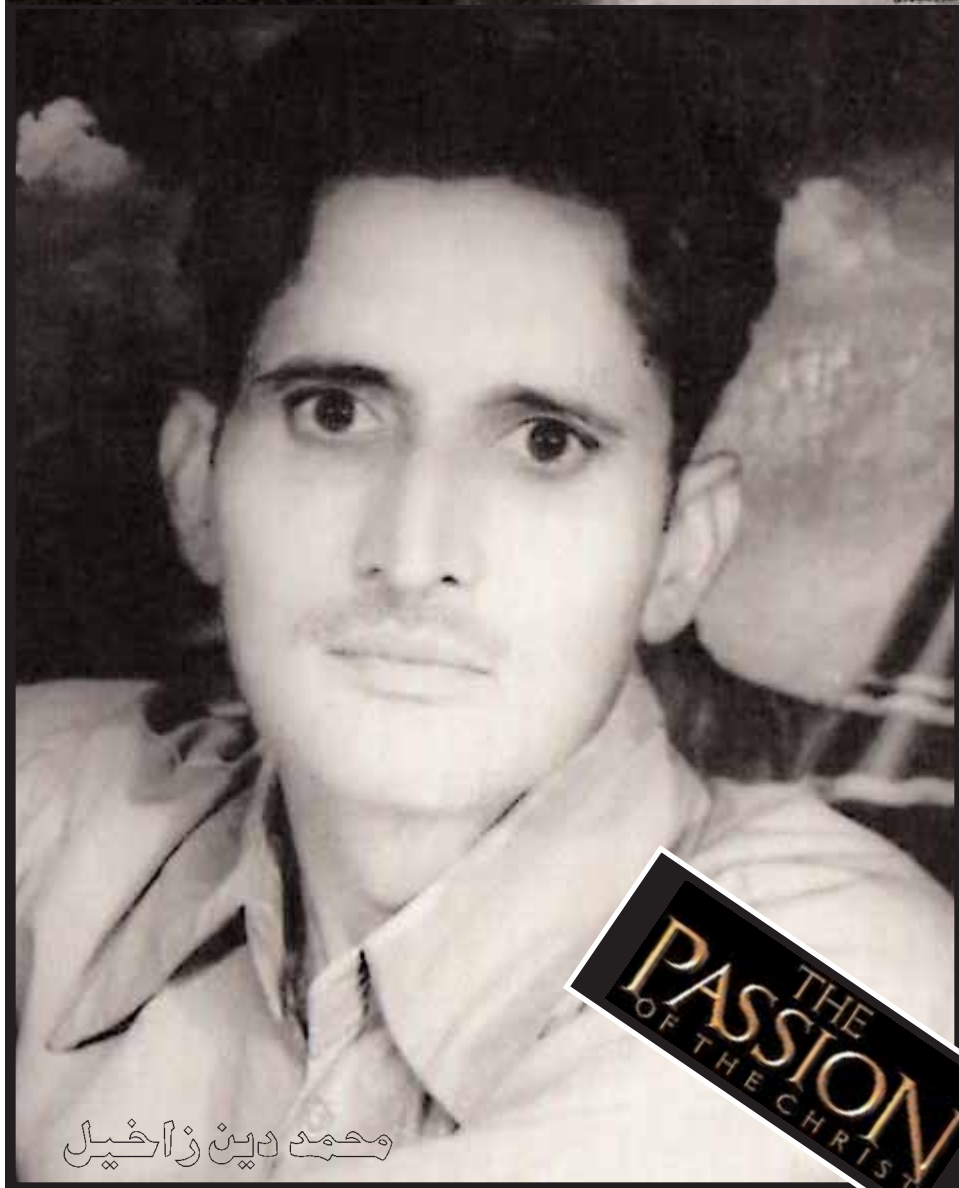
لحظات رنج حضرت مسیح شامل ساخته است. طوریکه گاهی ضربات تازیانه را بر پوست بدنت و گاه سنگینی افتادن صلیب را بر دوش احساس می نمایی. با اشک و حیرت در جمع تماشاگران راه دشواری که مسیح با مشقت بسیار آنرا پیمود، حضور می یابی و در مقابل بی عدالتی، قساوت، بی رحمی و خودخواهی انسان مشت گره می نمایی و از شدت غضب و احساس ناتوانی دندان هایت را روی هم می فشاری.

ولی حضرت عیسی با دست ها و پاها میخکوب شده بر صلیب، با رگ و پی کشیده شده از فشار درد، با تن شکنجه شده و برهنه، با چشمی خسته در صورتی خون آلود، نخست به سربازانی که او را می آزارند و روحانی یهودی که او را ریشخند میکند، نگاه میکند و سپس به آسمان و با صدای هر چند گره خورده از درد با متانت می گوید: «خداوند!» تو آنها را ببخش، آنها نمی دانند!

آنجاست که تو عظمت روح انسانی را در می یابی که خداوند او را انتخاب نموده است تا این رمه بیابانگرد سرگردان را چوپان باشد و پیام صلح، آرامش و عشق به انسان را به آنها ارمغان دهد تا حتی دشمنان خود را دوست داشته باشند.



خانم قمرگل و محمد دین زاخیل



محمد دین زاخیل

دید. موسیقی زیبایی این لحظات عاطفی را همراهی می کند و چون قطره زلال باران اعصاب متشنج تماشاچی را آرامش می بخشد. میلودی و نوای موسیقی از همان لحظه آغازین برای بیننده افغان و همه آنهایی که اینسوی پل اټک زنده گانی دارند، خیلی آشنا می نماید، چون جرقه ای در حافظه می درخشد و ناگهان در می یابی که آهنگ عزیز آشنای را از دیار هنرپرور افغانستان می شنوی. آری... میلودی که از دقیقه بیستم الی بیست و یکم فلم از گنجینه موسیقی افغانی انتخاب و در موزیک متن جاسازی شده است، همان آهنگ مشهور «ورو ورو کپرده قدمونه آشنا

شرنگ د پایزب ده عالمونه خبرونه آشنا» که در روزگار شیرین و یاد برده آرامش و صلح در افغانستان توسط هنرمند بی همتا و انگشت طلایی محمد دین زاخیل کمپوز و تنظیم شده است، می باشد. شعر آهنگ نیز از مرحوم زاخیل است و در سال ۱۳۵۳ هجری خورشیدی توسط هنرمند توانمند افغانستان محترمه خانم قمرگل اجرا و در استدیوهای رادیو افغانستان ثبت شده است. مرحوم زاخیل شاعر و آهنگساز مستعد و بی همتایی بود که بیش از هفتصد آهنگ را برای تعداد کثیری



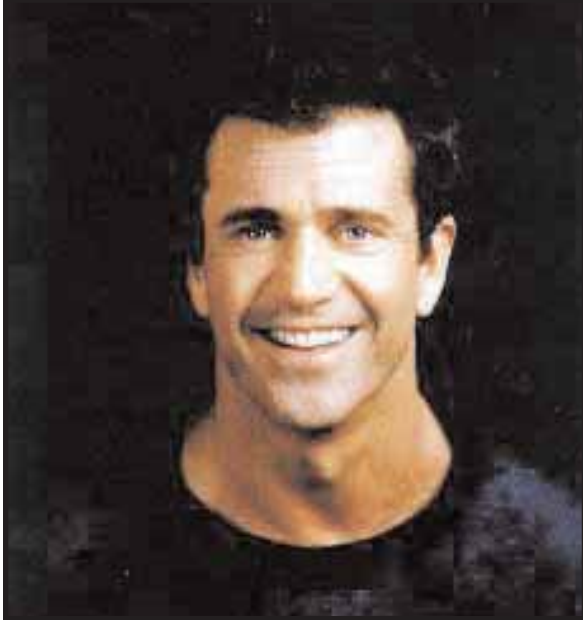
از راست به چپ ایستاده ردیف اول : مجید(تنبور نواز)، ملنگ(زیربلی نواز)، استاد سلیم سرمست، محمدظاهر شاه(بابای ملت افغانستان)، ملکه حمیرا، میرمن پروین، ناهید، رخشانه، استاد محمد عمر، استاد ننگیالی.
از راست به چپ ایستاده ردیف دوم: غلام(دهل نواز)، (شناخته نشد)، محمد دین زاخیل، (شناخته نشد)، استاد حفیظ اله خیال.
از راست به چپ نشسته ردیف اول : گل زمان، عبدالرحیم ناله، غلام نبی پاپر، استاد غلام نبی، (شناخته نشد)، صنف گل جوشی، کبیر(دلربا نواز)، (شناخته نشد)، (شناخته نشد)، شاهین(ستار نواز)، استادنتو.

از هنرمندان افغانستان کمپوز نموده
است که از جمله میتوان از آهنگ
های دلنشینی چون (دا زمونز زیبا
وطن...)، (په لوبو غرو بانپی را تاو
شه توفانونه)، (خنکه مینه زما ستا وه)
را میتوان نام برد.

من در نوشته دیگری به حیات پربار
مرحوم زاخیل خواهیم پرداخت اما
اینک نکته قابل توجه انتخاب و
استفاده ماهرانه از اثر هنری آن
هنرمند بزرگوار و میراث فرهنگی،

مادی و معنوی موصوف برای
خانواده آن متوفا و کافه ملت
هنرپرور افغانستان می باشد. چه در
طی سالیانی که با دریغ و درد جنگ
همه داشته های مادی و معنوی ما را
به یغما برد، دشمنان دیرین
افغانستان با استفاده از شیوه های
گوناگون میراث های تاریخی ما را
چون موزیم ملی و موزیم فارم هده
غارت کردند، تندیس های بودا را
منفجر ساختند و کاوش های غیر

قانونی ایشان در آی خانم و طلا تپه،
تپه مرنجان، شهر بلخ باستان،
میرزکه، شهر لوگر و ۰۰۰ صدها محل
دیگر ادامه دارد و حتی اجساد قبور
متبرکه و سنگ نوشته های آرامگاه
های بزرگان ما نیز از چپاول آنها
مصون نمانده است، طوریکه
استخوان های مرده گان ما در
حراج های بین المللی به فروش می
رسد و در اکثر شهرهای افغانستان به
شمول شهر کابل زندان های



در این میانه فقط "مل گیبسون" است که از ته دل می خندد ... با صدها ملیون دالری که از فلم "رنج های مسیح" عاید نموده است باید هم بخندد ... ولی آیا انسانی تر نمی بود اگر در این خنده ها خاتم قمرگل، باقی اعضای فامیل ارواح شاد محمد دین زاخیل و مردم افغانستان نیز سهمیم میبودند؟

کارگردان و آقای جان دینی کمپوزیتور فلم "رنج های مسیح" با سایر عرصه های زنده گی مردم افغانستان نباشد، ورنه آنچه باقی مانده است نیز در این سروصدا تاراج خواهد شد. نه! نباید اینطور شود. نباید بگذاریم... درست است که در افغانستان سیستم منظم حقوقی دفاع از حقوق هنرمندان و آثار خلاقه ایشان وجود ندارد. ولی امروز هم در سطح دولت و هم در بین مردم افغانستان چه در داخل و چه در سطح بین المللی افرادی وجود

هوی دموکراسی و دفاع از منافع و حقوق ابتدایی مردم افغانستان از اینجا و آنجا به گوش رسید که تا اکنون ادامه دارد. این سروصدا در خود کشور امریکا از هر جای دیگر بیشتر است و بیش از هر زمان دیگری علاقمندی حلقات مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امریکا به کشور افغانستان جلب شده است. صدهای کمک به مردم رنج دیده افغانستان و ارایه ارقام و اعداد گوش ها را کر و چشم ها را خیره می کند. امید همه این سروصداها مانند برخورد آقای مل گیبسون

شخصی ایجاد نموده اند. تا دو سال قبل چنین به نظر می رسید که این غارت، ظلم و وحشت همچنان بالای ملت درد دیده افغانستان ادامه خواهد یافت. ولی زمانی که امواج انفجار تندیس بزرگمرد تقوی، بودای جاویدان مرکز سرمایه جهانی را تکان داد و دو بت غول سرمایه فرو ریخت، با وصف زخم ها و دردهای تازه چنین تصور می شد که منافع ملت افغانستان و منافع یکه تاز قدرت جهان یعنی کشور امریکا در یک پله ترازو قرار دارند و صدای های و

برای شنیدن و مقایسه لطفاً به نوبت روی دایره های سرخ کلیک نمایید!



موزیک متن فلم "رنج های مسیح"



آهنگ ورو، ورو کیده قدمونه آشنا

غفاری، عبدالله نوایی شاد کام، حمید نوایی، گلالی پژواک، مزیده سرور، خان آقا سرور، هنگامه، ولید سرور، ویس سرور، آصف بره کی، احمد شاه هوتکی، حمید ضرابی، احسان الله پاکزاد، اسدالله شعور، غنی هما، حنیفه فریور، درخانی رنخوریار، مریم لودین، بهشته جاغوری، ولید پوپل، امین شقیق، نادره شقیق، ویدا مسکین یار، زرغونه عبیدی، کرام الدین منصور، سامعه نورستانی، اشرف اژیر، لونا سلام، نیلاب موج، وهاب تواب، استاد کیهان، قاضی سید موسی، ساجده میلاد، پیر محمد کاروان، سید فریدون ابراهیمی، وفا سمندر، عبدالهادی هادی، حسین فخری، عوض حصار نایی، گلنور بهمن، عارفه بهارت، مصطفی سالک، محب بارش، خالده تحسین، خالد نویسا

بر همه ملت و دولت افغانستان خصوصاً فرهنگیان افغان است تا در هر جایی که هستند با گام ها و ابتکارات عملی و کمک های مادی و معنوی خویش فامیل محترم زاخیل را یاری و مساعدت نمایند و صدای اعتراض خویش را بلند نمایند تا باشد که باری به جهانیان ثابت بسازیم که افغان ها نه تنها در سنگر مقاومت مسلحانه بر ضد **اجانب متحد** اند، بلکه فرهنگ، استعداد و توانایی اینرا دارند که از دست آورد های فرهنگی خویش نیز دفاع نمایند و پیروز شوند. با گذاشتن امضای خویش در پای این نامه سنگر مقاومت فرهنگی ملت افغان را استوارتر سازید.

هژبر شینواری

سرطان ۱۳۸۳ / جولای ۲۰۰۴ / کانادا

امضا کننده گان:

نیلاب پژواک، برمک پژواک، رویا هژبر، ویس یاسین، پروین پژواک، امیر جان صبوری، وحید قاسمی، کبیر متین، عتیق حمیدی، رحیم

دارند که صادقانه به کشور شان عشق می ورزند و تا امروز دردها و رنج های ملت خود را با گوشت و پوست لمس نموده اند. مطمئناً نخواهند گذاشت تا این سرقت هنری اثر هنرمند جاویدان یاد محترم دین محمد زاخیل بدون پیگیری حقوقی و قانونی باقی بماند و کمپنی Icon Pduction که فلم را ارایه نموده است و مل گیبسون که فلم را ساخته و جان دبنی John Debney که گویی موزیک متن فلم را نوشته است با عایدات افسانوی بدست آمده از فلم "رنج های مسیح" در عیش و عشرت بسر برند ولی بازمانده گان مرحوم زاخیل در غربت و مشقت زنده گی نمایند و مردم افغانستان از امتیاز معنوی آثار هنرمندانش بی بهره گردد.

تا جایکه من با پسر ارشد محمد دین زاخیل، ایمل زاخیل و خانم قمر گل تماس گرفتم آنها در جریان این سرقت هنری قرار دارند و برای دفاع از حقوق حق خویش وکیل رسمی استخدام نموده اند ولی این

آرژانتیکه براساس حسن نظر و شناخت عاطفی اسم ایشان درپایان نگاشته آمده است ولی با محتوی این نامه موافق نبوده ویا تغییر عقیده داده اند. خالصانه استدعا دارم نامرا عفو نموده و با من تماس بگیرند تا در آینده این اشتباه تکرار نگردد.

هژبر شینواری



«لیلا بخواب یار نمی آید بیداری ات بکار نمی آید تالاب دو چشمان سیاهت را نیلوفری به بار نمی آید.»

«لیلا صراحت روشنی»

ای تک سوار کوره راه درد آهسته تر بران!

لیلا صراحت روشنی به خواب رفته است. شاعری که به روشنی آفتاب در جمع شعرای معاصر ادب دری شعله ور است و در حلقه دوستانش چون نگین بی همتایی می درخشد. لیلایی که همواره با صراحت سخن می گوید. دختری که سرشار از عشق و عاطفه انسانی است و کلامش به لطافت آب انگور تاجستان های شمالی و در این خشکسالی عاطفه انسانی با دریغ و درد با وصف اینکه شاید یار نمی آمد اما بیداری اش سخت بکار می آمد، چه «تالاب دو چشمان سیاهش» در قلب همه دوستان و شیفته گان شعر و ادب دری نیلوفرهای را به بار آورده است که هرگز بخار سربی رنگ فراموشی و گذشت زمان آنرا پژمرده نخواهد ساخت.

لیلا بخواب

آرامتر بخواب

خوابت خوش

از غم ها آسوده ای

از رنج ها پالوده ای

واز غربت

سوی وطن رفته ای

سفرت بخیر

و آغاز دوباره

بر تو مبارکباد!

پروین پژواک و هزبر شینواری



انتشارات هزبر

HOZHABER PUBLICATIONS
hozhaber@yahoo.com